



در آغاز هزاره سوم و با پیشنهاد بنگلادش و در پرتو حمایت انجمن طرفداران حفظ طرح تعیین یک روز به عنوان روز زبان مادری به یونسکو ارائه و در سی امین نشست عمومی این سازمان مورد تصویب نمایندگان کشورهای عضو این سازمان قرار گرفت و در راستای اهمیت دادن به حفظ گونه های مختلف زبانی و جلوگیری از حذف، انکار و میرایی زبان مادری روز ۲۱ فوریه در تقویم مناسبت های فرهنگی دنیا به عنوان روز زبان مادری نام گذاری شد. واضح است که زبان مهم ترین عامل ارتباط افراد یک جامعه با هم و حلقه پیوندی بین جوامع مختلف و ابزار انتقال تجربه و میراث فرهنگی بشر از نسلی به نسلی دیگر است.



فریدون نوری



انسان‌ها در پرتو گفتگو و مفاهمه همدیگر را درک نموده و حکایت تحولات و تکامل هر جامعه‌ای از طریق زبان انتقال می‌یابد. زبان در پرتو انباشت آفریده‌های ادبی، هم نقش اساسی در غنای فرهنگی ملت‌ها دارد و هم فی‌نفسه جز مهم‌ترین سرمایه‌های معنوی تاریخ هر ملتی است و شناسنامه اثبات هویت و نماد تمایز ملت‌ها با همدیگر است.

برخی زبان‌شناسان نیروی عقلانی زبان را معادل توانایی بیولوژیک بشر و اهمیت تنوع زبانی را همسان با تنوع انسانی دانسته و نابودی هر زبانی را برابر با امحای یک جهان‌بینی خاص می‌دانند پس بیراه نیست اگر بگوییم که زبان‌ها روح پویای هویت بشری هستند. باین‌همه نباید فراموش کنیم زبان هم مانند هر پدیده دیگری زاده می‌شود، در شرایط مناسب رشد می‌کند و تکامل می‌یابد و گاهی هم دچار چالش می‌شود و در صورت عدم حمایت و تداوم سیاست‌های یکسان‌سازی اجباری تحت هر عنوانی آسیب می‌بیند و گاهی تا پرتگاه نابودی و حذف از عرصه حیات رانده خواهند شد. صدالبته از میان گونه‌های مختلف زبانی زبان گروه‌های اقلیت و غیر قدرتمند و زبان‌های بومی و محلی و زبان مردمان فاقد دولت و حاکمیت به شکل جدی در معرض آسیب‌های جدی بوده و هنوز هم هستند.

سازمان ملل متحد با محوریت یونسکو از مدت‌ها قبل اهمیت و جایگاه زبان مادری را در حفظ میراث معنوی

در باب روز جهانی زبان مادری



و مشترک جامعه جهانی دریافته است و علاوه بر آن به دلیل اهمیت گونه های زبانی در حفظ میراث جهانی و مخاطرات جدی ناشی از انکار، عدم آموزش و توسعه، ممنوعیت استفاده و به کارگیری و تضییع حقوق فرهنگی اقلیت ها در جستجوی راهی برای حفظ گونه های مختلف زبانی به عنوان میراث مشترک بشری می باشد و در این راستا برخورداری از حق آموزش و فراگیری زبان

را مرتباً مورد تأکید قرار داده است و نظام آموزشی چندزبانی را برای کشورهای دارای تنوع قومی، زبانی فرهنگی و چندملیتی توصیه می کند.

بالغ بر ۷ هزار گونه زبانی در جهان وجود دارد که هر کدام به سهم خود بخشی از میراث و تجربه مشترک بشری را در چارچوب خود جای داده است و نابودی و مرگ هر کدام از این زبان ها به معنای ازدست رفتن بخشی از میراث معنوی بشر است. تنوع زبانی در کشورها و مناطق مختلف جهان متفاوت است در هندوستان به عنوان یک ساخت سیاسی فدرال و متنوع گویشوران ۸۰ زبان مختلف زندگی می کنند و این زبان ها در مراحل مختلف تخیل و آموزش بکار گرفته می شوند.

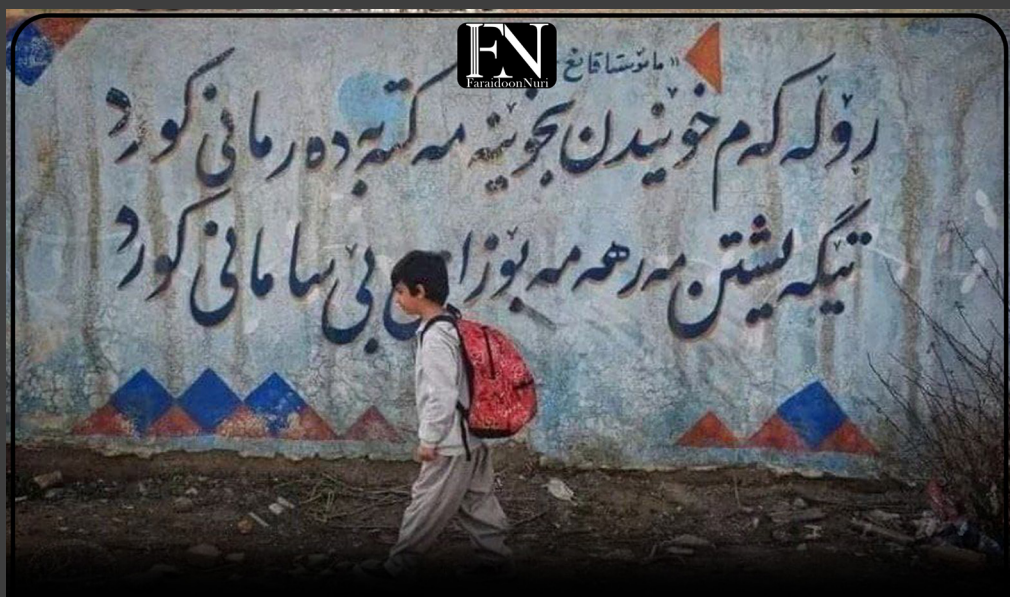
خاورمیانه که مهد تمدن های کهن و گهواره تمدن بشری است هم گرانیگاه تولد و تحول و تکامل گونه های مختلف زبانی است و سرزمین تنوع ها و تفاوت ها است که متأسفانه این تنوع و تفاوت ها نادیده گرفته شده و یا به جای هم زیستی و مدارا در مسیر تقابل و تضاد با هم سیر می کنند و عدم رواداری و دیگرپذیری بلای جان اقلیت ها و گروه های مختلف قومی و زبانی در این منطقه می باشد.

زبان گُردی یکی از زبان های هندواروپایی است که به طور گسترده در دست کم در چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه چند ده میلیون نفر و میلیون ها مهاجر و آواره در مناطق مختلف دنیا گویشور دارد. زبانی که هم خانواده با زبان هایی نظیر فارسی، بلوچی و اردو به شمار می رود. ایران به عنوان کشوری با تاریخی کهن و اثرگذاری فرهنگی گسترده که گروه های متنوع و مختلف قومی، زبانی، مذهبی را در درون مرزهای خود جای داده و از تنوع زبانی قابل توجهی برخوردار و شهروندانش به زبان های مختلفی از جمله فارسی، گُردی، ترکی، بلوچی، عربی، ترکمنی و لهجه های متفاوت دیگری نظیر گیلکی، مازنی، لُری، تاتی و... سخن می گویند که قدمت برخی از این زبان ها قدمتی هزاران ساله دارند.

گرچه زبان رسمی کشور فارسی است که هم از پشتوانه قدرتمند ادب کلاسیک و هم از حمایت ۱۲۰۰ ساله حاکمان این زادبوم برخوردار بوده است؛ اما بخش عظیمی از فرهنگ و تمدن ایران مدیون ایرانیان غیرفارسی‌زبان بوده و ادبیات و فرهنگ هر کدام از این‌گونه‌های زبانی میراثی ارزشمند از سامان معنوی آنان را در دل خود جای داده به‌گونه‌ای که می‌توان گفت یکی از علل غنا و جذابیت فرهنگ و تمدن ایرانی در طول تاریخ، فراقومی و حتی فرازبانی بودن آن و ایجاد وحدتی در عین کثرت بوده است.

در دهه‌های اخیر و با وجود فراهم بودن ظرفیت‌های قانونی و تأکید قانون اساسی در اصول ۱۹ و ۱۵ بر حق آموزش زبان مادری در کنار زبان رسمی در مدارس و ضرورت اجرائی نمودن این اصول و برنامه و وعده‌های مکرر و برخی اقدامات مفید و راه‌اندازی رشته زبان و ابیات کردی و ترکی در دانشگاه‌های کردستان و تبریز اما همچنان تا رعایت حداقل‌های لازم و فعلیت بخشیدن به ظرفیت‌های قانونی در جهت پاسداشت این تنوعات زبانی و تکرر فرهنگی این سرزمین راه دراز و گام‌های بسیار دیگری در پیش رو است که می‌بایست با قدرت و اهتمام ویژه آنها را برداشت و به نظر می‌رسد اهتمام به این موضوع یک مطالبه مشروع و قانونی عموم گویشوران گونه‌های مختلف زبانی و بخش قابل‌توجهی از شهروندان کشور است.

برخلاف تصور و ادعای برخی از چهره‌های متأثر از مکتب ناسیونالیسم و ایده‌های همسان‌سازی، آن چیزی که جهان امروز و از جمله ایران بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز دارد و باعث تقویت همگرایی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و همکاری‌جویانه و شکوفایی و زایش فرهنگی بیشتر نسبت به قبل می‌شود پذیرش تکرر فرهنگی و تنوع زبانی و پاسداشت است. زبان‌هایی که هریک از آنها میراثی تاریخی و بعضاً عظیم نه فقط برای گویشوران آن و یا ایرانیان بلکه برای جامعه جهانی است. یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم و ماندگاری فرهنگ و تمدن ایرانی در طول تاریخ در کنار هم قراردادن هویت‌های مختلف و متنوع قومی، نژادی، زبانی و



در باب روز جهانی زبان مادری

فرهنگی است که همه آنها در کنار هم یک کل بزرگتر ایجاد کرده‌اند. عدم آموزش زبان گُردی در مدارس مانع فراگیری و توسعه ظرفیت‌های این زبان توسط فعالان فرهنگی و ادبی نشده است و زبان گُردی به همت اهل فضل و فرهنگ کردستان و با تغذیه از میراث مکتوب منظوم و منثور پانصدساله خویش و بهره‌مندی از نسل جدیدی از تحصیل‌کردگان حوزه اندیشه و فرهنگ راه دشوار خود را به‌سوی افق‌های روشن پیموده است و با وجود بی‌مهری و بی‌توجهی‌های غم‌انگیز چراغ امیدآفرین و روشنی‌بخش تکافوهای فرهنگی و زبانی همچنان روشن نگاه‌داشته شده است و آثار منثور و منظوم فراوان و آفرینش‌های ادبی صاحب‌نظران و شاعران و نویسندگان و اصحاب جراید، نشریات و رسانه‌های مختلف هر کدام به سهم خود در جهت حفظ و توسعه، بالندگی و غنابخشی به زبان مادری کرده‌ا که از قضا نزدیک‌ترین زبان به لحاظ ساختار گرامری و دستوری و برخورداری از واژگان و مفاهیم مشترک به زبان فارسی است، ایفای نقش نموده‌اند. میراث ادبی معاصر کردها شاهی بر توانمندی زبان و قدرت آفرینش فرهنگی آنهاست و این راه همچنان در تداوم است. همان‌طور که اشاره شد یکی از ایستگاه‌های ارزشمند این حرکت فرهنگی تأسیس گروه زبان و ادبیات گُردی در مقطع کارشناسی در دانشگاه کردستان و به همت نخبگان فرهنگی و اساتید و چهره‌های آکادمیک مختص در این زمینه می‌باشد.

نقش برجسته شاعران و ادیبان، نویسندگان، مترجمان و اهل فضل و فکر گُرد در خلق و ایجاد آثار ارزشمند و ماندگار در بخش‌های مختلف جغرافیای گردنشین و در ایجاد میراث ارزشمند فرهنگی کردها و توفیق آنان در خلق این همه آثار ماندگار نشانه واضح و آشکاری است از توانمندی و قابلیت‌های درونی زبان و ادبیات گُردها و سند محکمی است بر جاودانگی و نامیراثی میراثی که از عمق جان‌بخشی از مخلوقات روی زمین می‌جوشد و انکار و سرکوب و نادیده‌گرفتن آن تنها منجر به تشدید چالش‌ها و تضعیف صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و توسعه مبانی مشارکت همگانی در رشد و تعالی فرهنگ‌های مشترک خواهد انجامید و تنها گُردها از آن زیان نخواهند دید.